

تأثیر مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی بر رفاه اجتماعی مناطق روستایی شهرستان کرمانشاه: مورد مطالعه دهستان بالادربند

موسی اعظمی^{۱*} و سعید هدایتی‌نیا^۲

تاریخ پذیرش: آذر ۱۳۹۷

تاریخ دریافت: ۲۰ تیر ۱۳۹۷

چکیده

امروزه پل ارتباطی میان دو مفهوم سرمایه اجتماعی و رفاه اجتماعی مشهود است تا جایی که می‌توان ادعان داشت با ذخیره سازی سرمایه اجتماعی بیش‌تر می‌توان شرایطی را فراهم ساخت که به سطح بالایی از رفاه اجتماعی دست یافت. هدف پژوهش حاضر، بررسی تأثیر مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی بر رفاه اجتماعی در مناطق روستایی دهستان بالادربند از توابع بخش مرکزی شهرستان کرمانشاه می‌باشد. این پژوهش با استفاده از ابزار پرسش‌نامه انجام گرفت. روایی پرسشنامه به‌وسیله‌ی پانل کارشناسان و پایایی آن از طریق یک مطالعه راهنما خارج از نمونه‌ی آماری تأیید شد. جامعه آماری این پژوهش شامل سرپرستان خانوارهای روستایی بود که ۱۶۰ نفر با استفاده از نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی چند مرحله‌ای انتخاب شدند. به‌منظور بررسی آزمون فرضیات پژوهش از روش مدل‌سازی معادلات ساختاری با به‌کارگیری نرم‌افزار LISREL_{ver8.50} استفاده شد. نتایج تحلیل عاملی تأییدی برازش متغیرهای نهفته پژوهش را بر مبنای شاخص‌های برازش تأیید کرد. یافته‌ها نشان داد که مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی از جمله اعتماد اجتماعی ($t=3/18, \gamma=0/28$)، انسجام اجتماعی ($t=2/00, \gamma=0/17$) و آگاهی و شناخت ($t=4/18, \gamma=0/44$) تبیین‌کننده ۵۱ درصد از تغییرات پراکنش رفاه اجتماعی بودند. نتایج پژوهش، شامل دستاوردهای مناسبی برای متولیان و مدیران توسعه روستایی برای بهبود مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در نواحی روستایی است.

کلمات کلیدی: سرمایه اجتماعی، رفاه اجتماعی، دهستان بالادربند، مدل‌سازی معادلات ساختاری

۱- دانشیار توسعه روستایی، گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران
۲- دانشجوی دکتری توسعه کشاورزی، گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه بوعلی سینا همدان، ایران
(*- نویسنده مسئول: aazamialireza@yahoo.com)

مقدمه

روستاها اولین مراکز اجتماعی زندگی انسان و از واحدهای تجمع، تمرکز و استقرار نیروی انسانی برای بهره‌برداری از منابع زمین، آب، مرتع و دیگر منابع است، بدین سبب روستا الزاماً دارای یک قلمرو جغرافیایی مشخص می‌باشد که به عنوان کوچک‌ترین واحد سیاسی، پس از دهستان در نظام تقسیمات کشوری قرار گرفته است، و از این رو، واجد شخصیت اداری و حقوقی مستقل به صورت‌های عرفی و قانونی مسجل می‌باشد (شهنازی، ۱۳۸۱). از طرفی نسبت روستانشینی جمعیت در سال ۱۳۹۵ معادل ۲۵٫۹ درصد رسیده است که منفی ۲٫۷ درصد نسبت به سال ۱۳۹۰ کاهش یافته (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵) و برنامه‌های توسعه‌ای در مناطق روستایی نیز نتوانسته است مانع از مهاجرت روستاییان شود. این در حالی است که، نواحی روستایی به‌ویژه از طریق تولیدات کشاورزی و صنایع دستی نقش مهمی در اقتصاد ملی دارند (رضوانی، ۱۳۸۸). بنابراین باید نواحی روستایی به عنوان عرصه مهم توسعه پایدار مورد توجه بیشتر قرار گیرند و توجه به سرمایه‌های طبیعی (زمین، آب، جنگل، معادن، گیاهان و جانوران)، فیزیکی (موجودی ماشین‌آلات، کارخانه‌ها، ساختمان‌ها و تجهیزات زیربنایی)، انسانی (افراد و مهارت‌های آنان) و اجتماعی (اعتماد، انسجام، شبکه‌های روابط و مشارکت) آن (شریفیان ثانی، ۱۳۸۰) از ملزومات اساسی برنامه‌ریزی روستایی و توسعه روستایی است. سطوح بالاتری از شبکه‌های ارتباطی، مشارکت و انسجام در مناطق روستایی گزارش شده است (زیراش^۱ و همکاران، ۲۰۰۹). در این بین، در چهار مؤلفه‌ی فوق، مفهوم سرمایه اجتماعی به پیوندها، ارتباطات میان اعضای یک شبکه به عنوان منبع با ارزش اشاره دارد که با خلق هنجارها و اعتماد متقابل موجب تحقق اهداف اعضا می‌شود. در واقع، سرمایه اجتماعی را می‌توان به مثابه منابعی تعریف کرد که میراث روابط اجتماعی هستند و کنش جمعی را تسهیل می‌کنند، این منابع که از طریق اجتماعی شدن حاصل می‌شوند در برگیرنده اعتماد، هنجار مشارکتی و شبکه‌هایی از پیوند اجتماعی است که موجب گرد آمدن افراد به صورتی منسجم و با ثبات در داخل گروه به منظور تأمین هدفی مشترک می‌گردد (زاهدی و همکاران، ۱۳۸۸). لذا، سرمایه اجتماعی، راهی برای نیل به موفقیت و اصلی محوری برای دستیابی به توسعه قلمداد می‌شود (ابوالحسن تنهایی و حضرتی صومعه، ۱۳۸۸).

برای تعیین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی اجماع نظر وجود ندارد و پژوهشگران مؤلفه‌های مختلفی از جمله ساختار اجتماعی (کلمن)، فرهنگ و اعتماد (فوکویاما)، شبکه (بورديو)، هنجارها (ولکاک)، جوامع (دارستن) و جنبه‌های سازمان‌های اجتماعی (پاتنام) را به عنوان مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی ذکر کرده‌اند (فلورس و ریلو^۲، ۲۰۰۳). کلمن^۳ (۱۹۹۰) وظایف و انتظارات (هم‌چون قابلیت اعتماد)، هنجارهای اجتماعی (از قبیل تعاون و عمل متقابل) و کانال‌های اطلاعاتی (شامل ارتباطات ناشی از تعاملات غیررسمی) را از مهم‌ترین تشکیل دهنده‌های سرمایه اجتماعی می‌داند. به اعتقاد ازکیا و غفاری (۱۳۸۸)، سه مؤلفه‌ی اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی و مشارکت اجتماعی که در یک رابطه‌ی متعامل قرار گرفته و هر کدام تقویت کننده‌ی دیگری‌اند، از مؤلفه‌های اصلی سرمایه‌ی اجتماعی محسوب می‌شوند. اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، روابط و پیوندهای اجتماعی به عنوان مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی، تأثیرات مفیدی

1- Ziersch
2- Flores and Rello
3- Coleman

در رشد و توسعه جوامع دارند (چلبی، ۱۳۸۴). موسوی (۱۳۸۵) در پژوهش خود عنوان کرده است سرمایه‌ی اجتماعی تنها با تجلی شاخص‌هایی همچون اعتماد و پیوندهای بین فردی و همچنین اعتماد به نهادهای رسمی و غیر رسمی محقق خواهد شد.

از طرف دیگر تأمین رفاه اجتماعی از جمله مهم‌ترین اهداف هر نظام است (عمرانی و همکاران، ۱۳۸۸) که مطالعات آن در چهار دهه گذشته در جریان بوده است و بیشتر آن‌ها در کشورهای توسعه یافته انجام شده است (کوشا و محسنی^۱، ۲۰۰۰) و رفاه اجتماعی در این کشورها از رفاه عینی به رفاه ذهنی و از مبنای اقتصادی به منطق و رضایت و شادکامی تغییر رویه داده است (لین^۲، ۲۰۱۴). رفاه اجتماعی تعبیری است که بیشتر به یک وضعیت چندجانبه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی معطوف گشته و حفظ شأن انسان‌ها و مسئولیت‌پذیری جامعه در قبال آن و ارتقای توانمندی کلیت جامعه در عرصه‌های فردی و جمعی از اهداف اساسی آن است (یزدانی، ۱۳۸۲). ارتقاء رفاه اجتماعی که از محورهای انسانی و اساسی توسعه پایدار روستایی به شمار می‌آید (اکبریان‌رونیزی و همکاران، ۱۳۹۴). رکن‌الدین افتخاری و توکلی (۱۳۸۲) رفاه اجتماعی روستایی را فرایندی مستمر و پویا و پایدار که منجر به ایجاد مجموعه شرایط و کیفیت‌ها در تواناسازی مردم روستایی از طریق دولت و نهادهای مدنی و سازمان‌های مسئول برای بهبود مستمر زندگی و کیفیت آنان منجر گردد، می‌دانند. رفاه اجتماعی به لحاظ مفهومی در دو بعد عام و خاص مد نظر است (ربانی و همکاران، ۱۳۸۷):

مفهوم عام رفاه اجتماعی: از مفهوم رفاه اجتماعی در این سطح با عناوینی نظیر خدمات اجتماعی، حقوق عمومی، حقوق ملت و حقوق اساسی مردم یاد می‌شود که مراد از آن توجه به کلیه افراد جامعه، صرف نظر از ویژگی‌های جسمانی و روانی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آن‌ها است.

مفهوم خاص رفاه اجتماعی: رفاه اجتماعی به مفهوم خاص آن شامل گروه‌های ویژه اجتماعی است. منظور از گروه‌های ویژه اجتماعی قشرهای از جامعه هستند که به دلیل ویژگی‌های عاطفی و یا اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی دارای وضعیت متفاوت از بقیه جامعه هستند به نحوی که باید مورد توجه قرار گیرند. در این رویکرد رفاه اجتماعی عبارت از مجموعه سازمان یافته‌ای از قوانین و مقررات، برنامه‌ها و سیاست‌هایی است که در قالب مؤسسات رفاهی و نهادهای اجتماعی به منظور پاسخگویی به نیازهای مدنی و معنوی تأمین سعادت انسان ارایه می‌شود تا زمینه رشد و تعالی او را فراهم آورد. همچنین اتحادیه بین‌المللی تأمین اجتماعی، رفاه را نظامی می‌داند که به منظور خدمت و کمک به افراد به وجود می‌آید تا سلامت، رضایت، زندگی بهتر و موجبات روابط مناسب‌تری را برای پیشرفت استعدادها، قابلیت‌ها و توانی‌های انسان فراهم کند (یزدانی، ۱۳۸۲).

کیم‌پریئو و همکاران^۳ (۲۰۰۵) و ویلزهررا و همکاران^۴ (۲۰۰۹) در تعریف رفاه اجتماعی اشاره به چند بعدی بودن

1- Kousha and Mohseni

2- lin

3- Kim-Prieto et al

4- Wills-Herrera et al

آن می‌کنند که شامل ابعاد فردی اجتماعی و فرهنگی می‌باشد. رکن‌الدین افتخاری و توکلی (۱۳۸۲) در توصیف، اندازه‌گیری و تحلیل رفاه اجتماعی روستایی زمینه‌های مختلفی از جمله شرایط محیطی عینی (دسترسی‌ها، امکانات و دستیابی‌ها)، شرایط محیطی ذهنی (احساس رضایت، بی‌اعتنایی و احساس محرومیت)، شرایط دروندادی نظام اجتماعی (وضعیت، شرایط و امکانات موجود) و شرایط بروندادی نظام اجتماعی (منعکس شده در بهداشت فردی) را مد نظر قرار داده‌اند. هزارجریبی و صفری‌شالی (۱۳۹۱) رفاه اجتماعی را مجموعه شرایط و کیفیت‌هایی می‌داند که نیازهای فردی، جسمی، روانی و اجتماعی آحاد جامعه را تأمین کرده و در همه مردم احساس امنیت زیستی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی به وجود آورد. از طرفی در رویکردهای جدید توسعه، از جمله در رویکرد توسعه اجتماعی، برای سنجش رفاه اجتماعی معرف‌هایی از قبیل روحی اجتماعی، همبستگی اجتماعی، مشارکت اجتماعی و سرمایه اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است (قانع‌راد، ۱۳۸۴). صفری‌شالی و مهدی‌زاده اردکانی (۱۳۹۶) به نقل از دینار اشاره می‌کنند که رفاه ذهنی یا احساس برخورداری از رفاه شامل تمامی ارزیابی‌های مثبت و منفی می‌شود که مردم در مورد زندگی‌شان در هر جامعه دارند. بدین ترتیب رفاه ذهنی زمینه‌ساز احساس خوب و زندگی لذت‌بخش افراد است و زمینه را برای آرامش بیشتر فراهم می‌کند. نتایج بررسی ابراهیمی (۱۳۹۴) نشان می‌دهد که مطالعات اندکی از دوره زمانی ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۳ در مناطق روستایی در خصوص سنجش رفاه انجام شده است و شاخص‌های مهمی از جمله سلامت، درآمد و اشتغال، امکانات زندگی و رضایت از وضعیت، امنیت، برنامه‌های تفریحی و اوقات فراغت مورد توجه قرار گرفته‌اند و از طرف دیگر توجه به حوزه‌های مختلف و وجوه ذهنی، پویا و کیفی رفاه می‌تواند جنبه‌های مهمی در سنجش مطالعات رفاه باشد. در چند دهه اخیر صاحب‌نظران رفاه اجتماعی نشان دادند که مفاهیمی نظیر احساس شادکامی و سرزندگی، امید به آینده و رضامندی تحت عنوان بعد غیرمادی رفاه مطرح هستند (هزارجریبی و صفری‌شالی، ۱۳۹۱). در همین راستا رفاه اجتماعی یا شادکامی شامل ارزیابی‌های بازتابی شناختی همچون رضایت از زندگی، رضایت شغلی، علاقه و تعهدات و همچنین شامل عکس‌العمل‌های عاطفی در برابر وقایع زندگی همچون شادی یا ناراحتی است (موسوی و همکاران، ۱۳۹۵). همچنین نتایج بررسی سام‌آرام و محبوبی (۱۳۹۳) در خصوص سنجش رفاه اجتماعی با تأکید بر رفاه ذهنی افراد نشان داد که شاخص‌هایی از جمله سلامت جسمانی، شادکامی و احساس خوشبختی، امید به آینده و مقبولیت اجتماعی و ترجیحات از مهم‌ترین شاخص‌های رفاه اجتماعی هستند. از طرفی سرمایه اجتماعی دارای ارتباطات درونی، خودتقویت‌کننده و خودافزاینده هستند. ویژگی بازتولیدی سرمایه اجتماعی منجر به تعامل اجتماعی همراه با سطح بالایی از همکاری، اعتماد، معامله متقابل، مشارکت مدنی و در نهایت رفاه اجتماعی می‌شود (شاهین و همکاران، ۱۳۹۶).

مطالعات پراکنده‌ای درباره رابطه رفاه اجتماعی با سرمایه اجتماعی و مؤلفه‌های آن انجام شده است محققانی از جمله وینکلمن^۱ (۲۰۰۹) و رام^۲ (۲۰۱۰) اظهار می‌دارند که سرمایه اجتماعی مهم‌ترین پیش‌بینی‌کننده سطح رفاه اجتماعی و شادکامی است. در همین راستا پنتس‌چر و همکاران^۳ (۲۰۱۴) شادکامی و رضامندی از زندگی را دو شاخص

1- Winkelmann

2- Ram

3- Puntsher et al

مهم رفاه می‌دانند که با مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی از جمله اعتماد و شبکه‌ای روابط و تعامل اجتماعی همبستگی دارند. هیلیول^۱ (۲۰۰۳) و بورن اسکوف^۲ (۲۰۰۸) بیان می‌دارند که بین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی از جمله اعتماد با رفاه اجتماعی رابطه بسیار قوی برقرار است. همچنین کلیور^۳ (۲۰۰۵) اشاره می‌کند که سرمایه اجتماعی به خودی خود در افراد ایجاد اعتماد می‌کند که این نیز به نوبه خود می‌تواند بر افزایش رفاه اجتماعی تأثیرگذار باشد.

از طرفی نتایج بررسی یوسف^۴ (۲۰۰۸) نشان می‌دهد که در نیجریه، افزایش سرمایه اجتماعی اثر مثبتی بر رفاه خانوار دارد، همچنین افزایش بعد خانوار باعث کاهش رفاه اجتماعی می‌شود و افزایش سرمایه اجتماعی یک عامل مهم در بهبود استاندارد زندگی اعضای جامعه نیز محسوب می‌شود. فزون بر این اولوه و همکاران^۵ (۲۰۱۴) در بررسی خود در نواحی روستایی جنوب غربی نیجریه؛ ون‌ها و همکاران^۶ (۲۰۰۴) با بررسی ابعاد مختلف سرمایه اجتماعی (فعالیت‌های اجتماعی، روابط اجتماعی، اعتماد و هنجار) در میان خانوارهای روستایی ویتنام؛ و گروتارت^۷ (۱۹۹۹) در بررسی بین خانواده‌های اندونزیایی نیز همین یافته‌ها یعنی اثر مثبت و معنی‌داری ابعاد سرمایه اجتماعی بر رفاه اجتماعی را تصدیق و تایید نمودند.

همچنین نتایج بررسی هزارجریبی و مردوخ روحانی (۱۳۹۱) و قاسمی و همکاران (۱۳۹۲) نشان داد که سرمایه اجتماعی رابطه مثبت و معنی‌داری با رفاه اجتماعی دارد. از طرفی فرزید (۱۳۹۰) در بررسی خود نشان داد که از میان مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی؛ متغیرهای اعتماد، تعامل اجتماعی و بعد مشارکت اجتماعی اثر معنی‌داری بر رفاه اجتماعی دارند. نتایج مطالعه زاهدی و همکاران (۱۳۸۸) نیز بر این اصل تأکید دارد که شاخص‌های سرمایه اجتماعی (اعتماد، هنجارهای اجتماعی و شبکه‌های اجتماعی) با رفاه اجتماعی رابطه مثبتی دارند.

در یک جمع‌بندی کلی نتایج بیانگر آن است که سطح توسعه‌یافتگی معرف سطح رفاه اجتماعی همگانی است و ارتباط میان سرمایه اجتماعی و توسعه را می‌توان به ارتباط میان سرمایه اجتماعی و رفاه تأویل کرد (زاهدی و همکاران، ۱۳۸۸) و نشان می‌دهد که وجود سرمایه اجتماعی بالا می‌تواند سطح بالاتری از رفاه اجتماعی را تأمین کند (شاهین و همکاران، ۱۳۹۶) از طرفی یکی از علل ضعف سرمایه اجتماعی سطح پایین وضعیت ناعادلانه رفاه اجتماعی است (هزارجریبی و مردوخ روحانی، ۱۳۹۱) به هر حال، سرمایه‌ی اجتماعی و اثر آن بر رفاه اجتماعی برای دستیابی به اهداف توسعه‌ی پایدار بسیار تعیین‌کننده و مهم می‌باشد و با انباشت و افزایش میزان آن، عملکرد توسعه می‌تواند بهبود یابد (احمدی فیروزجائی^۸، ۲۰۰۷).

1- Helliwell

2- Bjørnskov

3- Cleaver

4- Yusuf

5- Olowe et al

6- Van ha et al

7- Grootaert

8- Ahmadi Firouzjaie

از طرفی تقویت سرمایه اجتماعی عاملی مهم در بهبود رفاه اجتماعی در مناطق روستایی است (حیدری-ساربان، ۱۳۹۴). در مطالعات اخیر شواهد تجربی مهم و رو به رشدی وجود دارد مبنی بر آن که سرمایه اجتماعی تأثیر مثبتی بر توسعه محلی و رفاه اجتماعی خانوارها دارد. بدین ترتیب ایجاد یک جامعه رفاهی مطلوب مستلزم شکل‌گیری پیوندها و شبکه‌های اجتماعی مبتنی بر اعتماد، مبادله متقابل و هنجارهای کنش است (فرزید، ۱۳۹۰). به طور کلی افرادی که در روستاها زندگی می‌کنند بیشتر شاد هستند (کانر^۱، ۲۰۱۵). اما از طرف دیگر توسعه اجتماعی مورد غفلت واقع شده است (غفاری، ۱۳۹۴) و در اکثر مناطق شهری و روستایی با افول سرمایه اجتماعی مواجه است (حمیدی‌زاده، ۱۳۹۷) و یکی از چالش‌های امروز روستاهای ایران نیز بی‌توجهی به سرمایه اجتماعی است که می‌تواند روند برنامه‌ریزی و بهبود آن را با مشکل مواجه کند (ملک‌حسینی و همکاران، ۱۳۹۵). در این راستا روستاهای بخش مرکزی شهرستان کرمانشاه از جمله روستاهای دهستان بالادربند^۲ نیز از این قاعده مستثنی نیستند و ممکن است بی‌توجهی به وضعیت دو بُعد مهم توسعه اجتماعی (سرمایه و رفاه اجتماعی) در شرایط حاضر باعث مهاجرت و تخلیه جمعیتی مناطق روستایی شود. رفاه اجتماعی بر عوامل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی فرهنگی اثرگذار است و در رشد جامعه و پیشرفت آن مؤثر می‌باشد و همان‌طور که اشاره شد مطالعات گسترده‌ای از اثر و رابطه مثبت بین سرمایه اجتماعی با رفاه اجتماعی، اقتصادی و کیفیت زندگی حکایت دارند و ممکن است بی‌توجهی به بررسی اثرات سرمایه اجتماعی بر این عوامل به خصوص رفاه اجتماعی خسارات جبران ناپذیری در مناطق روستایی منطقه بر جای گذارد که از مهم‌ترین آن‌ها در این مناطق می‌توان به کم شدن ارزش کارگروهی در بین روستاییان، از بین رفتن اعتماد آنان، کاهش روابط میان مردم روستا، عدم رضایت و ناامیدی نسبت به آینده و سایر عوامل دیگر که در نهایت منجر به مهاجرت و فروش زمین‌های کشاورزی به افراد غریبه و غیر روستایی و در نهایت تغییر کاربری این زمین‌ها شده است که خود معضل بزرگتری به وجود خواهد آورد. فزون بر این با توجه به اینکه در مناطق روستایی این منطقه تاکنون چنین مطالعه‌ای صورت نگرفته است و بررسی وضعیت ابعاد سرمایه اجتماعی و تحلیل اثرات آن بر رفاه اجتماعی می‌تواند شناخت خوبی از وضعیت سرمایه اجتماعی و ابعاد آن برای سایر محققان فراهم آورد که با شناخت مؤلفه‌های اثرگذار آن بر رفاه اجتماعی می‌توان باعث بهبود کیفیت زندگی مردم در نواحی روستایی شد. بر این مبنای هدف اصلی این پژوهش، بررسی میزان تأثیر مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی (همکاری، اعتماد، آگاهی، انسجام و شبکه روابط اجتماعی) بر رفاه اجتماعی روستاییان می‌باشد که در دهستان بالادربند شهرستان کرمانشاه صورت گرفته است و در این راستا اهداف اختصاصی زیر دنبال شده است:

- ✓ شناسایی ویژگی‌های دموگرافیک روستائیان مورد مطالعه؛
- ✓ بررسی رابطه بین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی روستائیان با رفاه اجتماعی آن‌ها؛
- ✓ ارزیابی الگوی ساختاری رابطه‌ی مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی و رفاه اجتماعی روستائیان؛ و

✓ بررسی تأثیر مؤلفه‌های مختلف سرمایه اجتماعی روستائیان بر رفاه اجتماعی آن‌ها.

مواد و روش‌ها

این تحقیق از نظر ماهیت از نوع تحقیقات کمی، با توجه به هدف از نوع تحقیقات کاربردی و از لحاظ گردآوری داده‌ها، جزو تحقیقات توصیفی-همبستگی می‌باشد. جامعه آماری تحقیق شامل روستائیان سرپرست خانوار دهستان بالادربند به مرکزیت سراب نیلوفر (از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان کرمانشاه) بودند (۲۱۵۷ نفر) که با استفاده فرمول کوکران ۱۴۰ نفر به دست آمد. با توجه به وجود ۵۵ روستا در دهستان سعی شد این ۱۴۰ نفر از اکثر روستاها انتخاب شوند. برای این کار از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای استفاده شد. به این ترتیب که در ابتدا از ۵۵ روستای سطح دهستان بالادربند، تعداد ۴۸ روستا با استفاده از جدول تصادفی انتخاب و از هر روستا تعداد ۴ روستایی به صورت تصادفی انتخاب و مورد مطالعه قرار گرفتند (برای افزایش اعتبار یافته‌ها این میزان انتخاب شد تا بتوان بیشتر از ۱۴۰ نفر را مورد مطالعه قرار داد) که با توجه به ۱۹۲ پرسش‌نامه توزیع شده در نهایت ۱۶۰ نفر به پرسش‌نامه‌ها پاسخ کامل و قابل استفاده ارائه نمودند. لازم به ذکر است که دهستان بالادربند و روستاهای اطراف آن به دلیل شرایط مساعد اقلیمی و چشم‌اندازهای بی‌نظیر طبیعی مثل سراب نیلوفر، همه ساله گردشگران و طبیعت‌دوستان بسیاری را به سوی خود جذب می‌کند. این دهستان همچنین از مهم‌ترین قطب‌های کشاورزی استان در تولید گندم، نخود و ذرت نیز محسوب می‌باشد.

یکی از دشواری‌های موجود بر سر راه سنجش سرمایه اجتماعی فقدان روشی واحد جهت شاخص‌سازی مفهوم سرمایه اجتماعی است. شاخص‌های مهمی از جمله اعتماد و قابلیت اعتماد، مشارکت اجتماعی، همکاری، انسجام اجتماعی، صداقت، ارزش زندگی و احساس اثرگذاری و کارایی برای سنجش سرمایه اجتماعی وجود دارد (محمدی و همکاران، ۱۳۸۹) که از میان آن‌ها شاخص‌های اعتماد، مشارکت اجتماعی، انسجام اجتماعی و صداقت شاخص‌های مهمی برای سنجش سرمایه اجتماعی در کشور ایران هستند (شعبانی و سلیمانی، ۱۳۸۸). در این پژوهش از شاخص‌ها و مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در مطالعات مرتبط مانند همکاری (در قالب دو گزینه)، اعتماد (در قالب دو گزینه)، ارتباط و شبکه‌ها (در قالب سه گزینه)، انسجام اجتماعی (در قالب سه گزینه) و آگاهی (در قالب سه گزینه) استفاده شده است (احمدوند و کرمی، ۲۰۰۹؛ کلمن، ۱۹۹۰؛ احمدوند و همکاران، ۱۳۹۱؛ فرزید، ۱۳۹۰؛ زاهدی و همکاران، ۱۳۸۸) که برای سنجش مؤلفه‌های ذکر شده از طیف پنج گزینه‌ای لیکرت (خیلی کم، کم، متوسط، زیاد، خیلی زیاد) کمک گرفته شده است. همچنین برای سنجش رفاه اجتماعی (که در این تحقیق منظور همان شادکامی و رضایت از وضعیت زندگی است) از آزمون رفاه اجتماعی و شادکامی در قالب ۵ گویه استفاده شده است شاخص‌های شادکامی سلامتی و تندرستی، امیدواری نسبت به آینده، رضایت از جایگاه و موقعیت اجتماعی و غیره شاخص‌های مهمی برای سنجش رفاه اجتماعی هستند (پنتس‌چر و همکاران^۱، ۲۰۱۴؛ ویلز-هیرراو همکاران^۲، ۲۰۱۱؛ احمدوند و کرمی^۳، ۲۰۰۹؛ کامینز^۴

1-Puntscher et al

2-Wills-Herrera et al

3-Ahmadvand and Karami

4-Cummins

و همکاران، ۲۰۰۳؛ صفری شالی و مهدی زاده اردکانی، ۱۳۹۶؛ ابراهیمی، ۱۳۹۴؛ سام آرام و محبوبی، ۱۳۹۳؛ فرزبد، ۱۳۹۰؛ هزارجریبی و صفری شالی، ۱۳۹۱) که در این پژوهش برای سنجش آن‌ها از طیف پنج گزینه‌ای لیکرت (خیلی-کم، کم، متوسط، زیاد، خیلی زیاد) استفاده شده است.

برای تعیین روایی ظاهری و محتوایی ابزار گردآوری داده‌ها که پرسش‌نامه‌ای محقق ساخته بود، از متخصصان فن بهره گرفته شد. جهت تعیین پایایی آن نیز، آزمون پیش‌آهنگ در خارج از محدوده‌ی تحقیق انجام پذیرفت. برای مطالعه‌ی پیش‌آهنگ در محدوده‌ی مشابه جامعه‌ی آماری تعداد ۳۰ پرسشنامه تکمیل و جمع‌آوری گردید و اطلاعات با استفاده از نرم‌افزار SPSS_{ver21} داده پردازش شد و ضرایب آلفای کرونباخ به دست آمده، به ترتیب برای مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی آگاهی (۰/۸۶۴)، اعتماد (۰/۸۰۹)، آگاهی (۰/۸۶۱)، ارتباط و شبکه‌ها (۰/۷۲۸) و انسجام اجتماعی (۰/۸۴۸) و رفاه اجتماعی (۰/۸۶۸) حاکی از پایایی پرسش‌نامه‌ی طراحی شده بود.

روش‌های آماری مورد استفاده در این پژوهش تحلیل همبستگی با استفاده از نرم‌افزار SPSS_{ver21} و مدل‌سازی معادلات ساختاری^۱ با استفاده از نرم‌افزار LISREL_{ver8.50} بودند. مدل‌سازی معادلات ساختاری روشی است که برای نشان‌دادن، تخمین و آزمون فرضیه‌ها درباره روابط بین متغیرهای مشاهده شده و نهفته به کار می‌رود (زامپتاکیس و موستاکیس^۲، ۲۰۰۶). این روش شامل دو مرحله، یعنی مدل اندازه‌گیری و مدل ساختاری می‌باشد (اندرسون و گرینگ^۳، ۱۹۸۸). در مرحله اول، یعنی مدل اندازه‌گیری به بررسی روایی (اعتبار) و پایایی (اعتماد) متغیرهای نهفته تحقیق با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی^۴ پرداخته می‌شود. در این مرحله از مقدار تی^۵ و روایی سازه^۶ برای بررسی روایی و از پایایی ترکیبی^۷ برای بررسی پایایی ابزارهای اندازه‌گیری استفاده می‌شود. چنانچه مقدار T-Values در سطح ۱ یا ۵ درصد معنی‌دار باشد، مقدار AVE بالاتر از ۰/۵، مقدار CR بالاتر از ۰/۷ (فورنل و لاکر^۸، ۱۹۸۱؛ گیفن^۹ و همکاران، ۲۰۰۰؛ رایکوف^{۱۰}، ۱۹۹۸) باشد، روایی و پایایی ابزارهای تحقیق مناسب و قابل قبول می‌باشد. در مرحله توسط مدل ساختاری به ارزیابی فرضیه‌های ۵ گانه زیر در مورد روابط بین متغیرهای نهفته (سازه‌ها) پرداخته می‌شود:

H₁: همکاری و مشارکت اجتماعی تأثیر مثبت و معنی‌داری بر رفاه اجتماعی روستاییان دارد.

H₂: اعتماد اجتماعی تأثیر مثبت و معنی‌داری بر رفاه اجتماعی روستاییان دارد.

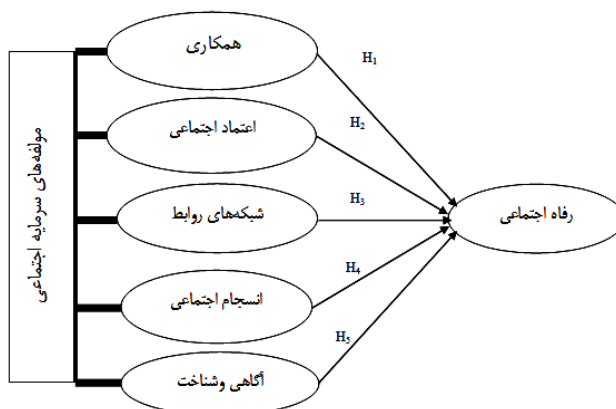
H₃: شبکه‌های روابط اجتماعی تأثیر مثبت و معنی‌داری بر رفاه اجتماعی روستاییان دارد.

-
- 1- Structural Equation Modeling (SEM)
 - 2- Zampetakis and Moustakis
 - 3- Anderson and Gerbing
 - 4- Conformity Factor Analysis (CFA)
 - 5- Values
 - 6- Average Variance Extracted (AVE)
 - 7- Composit Relability(CR)
 - 8- Fornell & Larcker
 - 9- Gefen
 - 10- Raykov

H₄: انسجام اجتماعی تأثیر مثبت و معنی‌داری بر رفاه اجتماعی روستاییان دارد.

H₅: آگاهی اجتماعی تأثیر مثبت و معنی‌داری بر رفاه اجتماعی روستاییان دارد.

در پژوهش حاضر، از شاخص‌های پیشنهادی بامگارتنر و هومبورگ^۱ (۱۹۹۵) و شوک و همکاران^۲ (۲۰۰۴) برای ارزیابی برازندگی مدل اندازه‌گیری و ساختاری پژوهش استفاده شده است. مدل پژوهش شامل متغیرهای همکاری و مشارکت^۳، اعتماد^۴، شبکه‌های روابط^۵، انسجام اجتماعی^۶، آگاهی^۷ و رفاه اجتماعی^۸ می‌باشد (شکل ۱).



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش (الگوی ساختاری تبیین کننده‌های رفاه اجتماعی)

نتایج و بحث

یافته‌های توصیفی پژوهش نشان می‌دهد که میانگین سنی پاسخگویان در حدود ۴۶/۳۲ سال (با انحراف معیار ۱۱/۴۵ سال) و میانگین تعداد افراد تحت تکفل ۴/۳۱ نفر (با انحراف معیار ۱/۳۴۰ نفر) بوده است. ۲۰ نفر (۱۲/۵ درصد) از افراد مورد مطالعه مجرد و مابقی (۸۷/۵ درصد) متأهل هستند. بر اساس اطلاعات بدست آمده در خصوص میزان تحصیلات پاسخگویان، تعداد ۶۹ نفر (۴۳/۵ درصد) بی‌سواد، ۴۴ نفر (۲۷/۵ درصد) ابتدایی، ۲۵ نفر (۱۵/۶ درصد) سیکل، ۱۸ نفر (۱۱/۳ درصد) دیپلم و تنها ۴ نفر دیپلم و بالاتر (۲/۵ درصد) می‌باشند. همچنین میانگین تجربه کاری کشاورزی افراد مورد مطالعه ۲۴/۳۹ سال (با انحراف معیار ۱۱/۱۰) می‌باشد. آمار به‌دست آمده در مورد میزان

1- Baumgartner and Homburg
 2- Shook et al
 3- Corporation
 4- Trust
 5- Networks
 6- Social Solidarity
 7- Awareness
 8- wellbeing

کل اراضی زراعی نیز حکایت از آن دارد که میانگین مساحت اراضی پاسخگویان ۶/۱۸ هکتار می‌باشد.

همبستگی بین متغیرهای تشکیل دهنده الگو

جدول ۱ ماتریس همبستگی متغیرهای مورد مطالعه در الگوی علی پژوهش را نشان می‌دهد. یافته‌ها حاکی از وجود رابطه‌ی مثبت و معنی‌دار مؤلفه‌های ۵ گانه سرمایه اجتماعی بر رفاه اجتماعی روستائیان است. که از این میان بزرگی رابطه بین سازه‌ی آگاهی و رفاه اجتماعی بیشترین ($r=0/55$) و بین سازه‌ی همکاری و رفاه اجتماعی کمترین ($r=0/34$) است و این بدان معنی است که با افزایش هر یک از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی (همکاری، اعتقاد، شبکه‌های روابط، انسجام، آگاهی و شناخت) رفاه اجتماعی روستائیان بهبود می‌یابد و این رابطه‌ی مثبت و معنی‌داری است که با نتیجه مطالعه فرزند (۱۳۹۰)؛ حیدری ساریان (۱۳۹۴)؛ هیلولی (۲۰۰۳)؛ بورن اسکوف (۲۰۰۸)؛ هزارجریبی و مردوخ روحانی (۱۳۹۱)؛ قاسمی و همکاران (۱۳۹۲) و گروتارت (۱۹۹۹) هم‌خوان و مطابق است.

جدول ۱. ماتریس همبستگی بین مؤلفه‌های ۵ گانه سرمایه اجتماعی و رفاه اجتماعی

| متغیر | میانگین | انحراف معیار | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ | ۵ | ۶ |
|----------------|---------|--------------|--------|--------|--------|--------|--------|---|
| همکاری | ۴/۰۷ | ۰/۸۵ | ۱ | | | | | |
| اعتماد | ۳/۵۶ | ۰/۸۱ | ۰/۳۴** | ۱ | | | | |
| شبکه‌های روابط | ۳/۶۶ | ۰/۷۶ | ۰/۳۹** | ۰/۳۲** | ۱ | | | |
| انسجام اجتماعی | ۴/۱۳ | ۰/۷۲ | ۰/۲۸** | ۰/۲۷** | ۰/۳۴** | ۱ | | |
| آگاهی و شناخت | ۴/۱۶ | ۰/۷۳ | ۰/۶۱** | ۰/۲۷** | ۰/۳۶** | ۰/۴۵** | ۱ | |
| رفاه اجتماعی | ۴/۰۶ | ۰/۶۵ | ۰/۳۴** | ۰/۴۰** | ۰/۲۸** | ۰/۴۴** | ۰/۵۵** | ۱ |

** معنی‌داری در سطح ۱ درصد * معنی‌داری در سطح ۵ درصد

ارزیابی برازش الگوی مورد مطالعه پژوهش

در پژوهش حاضر به منظور ارزیابی برازش الگوی مورد مطالعه از آزمون تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد. در الگوی مورد مطالعه با نمایش بارهای عاملی استاندارد شده و بارهای معنی‌داری به همراه شاخص‌های برازندگی و مقدار T-Values و شاخص‌های روایی و پایایی متغیرهای نهفته (سازه‌ها) در جدول ۲ آمده است. شاخص‌های کای اسکویر به همراه معنی‌داری آن^۱، شاخص برازندگی^۲، شاخص نرم‌نشده برازندگی^۳، شاخص برازندگی فزآینده^۴، شاخص برازندگی تطبیقی^۵، انحراف معیار تقریب^۶ و شاخص میانگین مجذور باقی‌مانده‌ها^۷ برای ارزیابی برازندگی الگوی مورد مطالعه بکار رفته است. حداقل قابل قبول هر شاخص (آبروکل، ۱۳۹۰) ذیل جدول ۲ درج شده است.

1-Chi-Square (X2/df)

2-Goodness of Fit Index (GFI)

3- Normed Fit Index (NFI)

4- Incremental Fit Index (IFI)

5- Comparative Fit Index (CFI)

6- Root Mean Square Error of Approximation (RMSEA)

7- Root Mean Square Residual (RMR)

یافته‌ها نشان می‌دهد الگوی مورد مطالعه از برازش مناسبی برخوردار بوده و این بیان‌گر همسو بودن نشانگرها با سازه‌های نظری پژوهش است. با توجه به نتایج ارائه شده در جدول مشاهده می‌شود که مقدار T-Values تمامی ضرایب مسیر بین نشانگرها و متغیرهای نهفته پژوهش بالاتر از ۱/۹۶ می‌باشند و مقادیر شاخص‌های CR و AVE برای تمام متغیرهای مورد مطالعه از مقادیر مناسبی برخوردارند، بنابراین می‌توان اظهار کرد که تمامی نشانگرهای انتخابی برای سنجش متغیرهای نهفته (سازه‌ها) پژوهش به درستی انتخاب شده‌اند و روایی و پایایی آن‌ها نیز مورد تأیید است.

جدول ۲. خلاصه اطلاعات مدل‌های اندازه‌گیری متغیرهای نهفته پژوهش

| متغیرهای نهفته | نشانگر | نوع متغیر | ضریب استاندارد شده | T-Values | CR [†] | AVE ^{††} |
|----------------|--------------|-----------|--------------------|----------|-----------------|-------------------|
| همکاری | همکاری ۱ | مستقل | ۰/۸۵ | ۱۲/۱۶** | ۰/۹۶ | ۰/۹۲ |
| | همکاری ۲ | | ۰/۸۶ | ۱۲/۴۳** | | |
| اعتماد اجتماعی | اعتماد ۱ | مستقل | ۰/۸۲ | ۹/۱۹** | ۰/۹۴ | ۰/۸۶ |
| | اعتماد ۲ | | ۰/۷۶ | ۸/۵۶** | | |
| شبکه‌های روابط | شبکه روابط ۱ | مستقل | ۰/۷۲ | ۹/۵۳** | ۰/۹۶ | ۰/۸۹ |
| | شبکه روابط ۲ | | ۰/۸۱ | ۱۰/۹۸** | | |
| | شبکه روابط ۳ | | ۰/۷۶ | ۱۰/۳۷** | | |
| انسجام اجتماعی | انسجام ۱ | مستقل | ۰/۸۰ | ۱۱/۴۰** | ۰/۹۷ | ۰/۹۱ |
| | انسجام ۲ | | ۰/۸۳ | ۱۱/۹۶** | | |
| | انسجام ۳ | | ۰/۷۷ | ۱۰/۹۴** | | |
| آگاهی و شناخت | آگاهی ۱ | مستقل | ۰/۸۳ | ۱۲/۷۹** | ۰/۹۳ | ۰/۸۲ |
| | آگاهی ۲ | | ۰/۸۶ | ۱۳/۵۸** | | |
| | آگاهی ۳ | | ۰/۷۹ | ۳/۹۵** | | |
| رفاه اجتماعی | رفاه ۱ | وابسته | ۰/۹۷ | ۱۱/۹۳** | ۰/۹۸ | ۰/۹۲ |
| | رفاه ۲ | | ۰/۷۹ | ۱۱/۷۵** | | |
| | رفاه ۳ | | ۰/۷۶ | ۱۱/۱۸** | | |
| | رفاه ۴ | | ۰/۷۹ | ۱۱/۴۱** | | |
| | رفاه ۵ | | ۰/۷۷ | ۱۱/۴۳** | | |

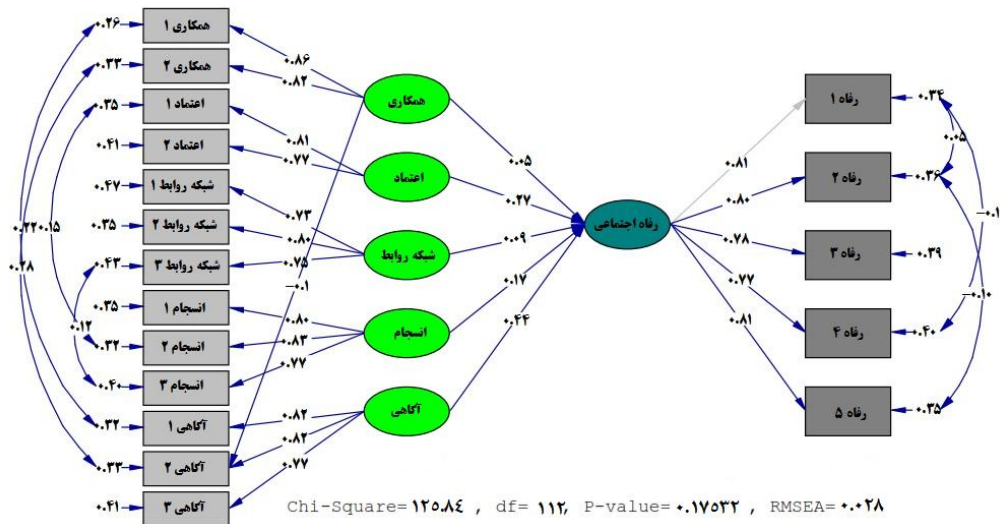
** معنی‌دار در سطح ۱ درصد

† Composit Reliability = $(\sum \lambda)^2 / (\sum \lambda)^2 + (\sum \delta)$. †† Average Variance Extracted = $\sum \lambda^2 / \sum \lambda^2 + \sum \delta$
 $\chi^2/df = 1/14$, $P = 0/14$, $RMR = 0/03$, $GFI = 0/92$, $NFI = 0/92$, $NNFI = 0/98$, $IFI = 0/98$, $CFI = 0/98$, $RMSEA = 0/03$

ارزیابی مدل ساختاری پژوهش

پس از تأیید روایی (اعتبار)، پایایی (اعتماد) و برازش الگو از طریق تحلیل عاملی تأییدی (CFA)، به منظور آزمون فرضیه‌های پژوهش از روش مدل معادلات ساختاری در قالب تحلیل مسیر استفاده شد. مدل ساختاری روابط بین متغیرهای نهفته پژوهش با نمایش بارهای عاملی استاندارد شده و شاخص‌های برازندگی در شکل ۲ نشان داده شده

است. نتایج الگوی معادلات ساختاری مؤید این است که ساختار پرسشنامه برازش قابل قبولی با داده‌ها دارد و کلیه شاخص‌های نیکویی برازش، مدل را تأیید می‌کنند.



شکل ۲. بارهای عاملی در حالت استاندارد

$\chi^2/df= 1/12, P=0/17, RMR=0.03, GFI=0.92, NFI= 0/92, NNFI=0.98, IFI=0.99, CFI=0.99, RMSEA=0/03$

از طرف دیگر، نتایج ارائه شده در جدول ۳ نشان‌دهنده این است که ضریب مسیر استاندارد شده بین همکاری و رفاه اجتماعی ۰/۰۵ است که خیلی ضعیف و از لحاظ آماری معنی‌دار نیست ($t=0/54, \gamma=0/05$) که با مطالعات فرزید (۱۳۹۰) و پنتس‌چر و همکاران (۲۰۱۴) ناهم‌خوان و نامطابق است. این یافته نشان می‌دهد که در این مناطق همکاری اثر معنی‌داری بر رفاه اجتماعی ندارد. یکی از دلایل مهم این نتیجه می‌تواند عدم مشارکت دادن روستائیان در طرح‌ها و پروژه‌های توسعه روستایی باشد که باعث بی‌تفاوتی در مشارکت آنان شده است. در هر حال بی‌تفاوتی افراد نسبت به همکاری و مشارکت اجتماعی نشانگر انسان و جامعه‌ای است که یا با مسئله اجتماعی مواجه است و یا تکامل و توسعه لازم را نیافته است و این مسئله عدم مشارکت دادن روستائیان در بسیاری از امور در روستا بارز به نظر می‌رسد هر چند با وجود نهادهای مهمی همچون شورا و دهیاری تا حدودی این خلاء برطرف شده است اما در روستاهای مورد مطالعه هنوز وجود دارد و مشارکت فقط در حد حرف سخن باقی مانده است. همچنین، ضریب مسیر برای متغیرهای شبکه‌های روابط و رفاه (۲۰۰۹، $t=0/91, \gamma=0/09$) نیز معنی‌دار نشد که با مطالعات زاهدی و همکاران (۱۳۸۸)؛ ون‌ها و همکاران (۲۰۰۴)؛ پنتس‌چر و همکاران، (۲۰۱۴) ناهم‌خوان و نامطابق است. در این خصوص می‌توان اشاره کرد که ارتباط و شبکه‌های ارتباطی و روابطی که در گذشته بین روستائیان به چشم می‌آمد در حال حاضر بسیار کم شده است و اثر معنی‌داری در رفاه اجتماعی روستائیان منطقه مورد مطالعه نداشت. در خصوص اینکه اثر این دو سازه در نواحی روستایی مورد مطالعه معنی‌دار نشد عوامل زیادی دخیل هستند. می‌توان گفت که اکثر روستائیان از اقشار متوسط رو

به پایین جامعه هستند و این مفهوم تا حد زیادی به خصلت حاشیه‌ای بودن دامن می‌زند که ارتباط ضعیفی با دیگر گروه‌ها و اقشار شهری و روستایی دارند و در نتیجه مشارکت و همکاری کمتر در انواع طرح، پروژه‌های روستایی باعث ارتباط کمتر آن‌ها با نهادها و ارگان‌ها و سایر افراد شده و همین مسئله یکی از عواملی است که منجر به کاهش رفاه اجتماعی آنان می‌شود و احساس رضامندی، شادکامی و امیدواری نسبت به آینده را در آنان کم می‌کند. فزون بر این تئوری سرمایه اجتماعی تحلیل خود را متمرکز بر ویژگی‌های کلان اجتماعی می‌کند و معتقد است که این ویژگی‌های کلان اجتماعی انگیزشی در افراد ایجاد می‌کند که عامل مشارکت و همکاری اقشار مختلف جامعه می‌شود. بنابراین عدم وجود مؤلفه‌های مهم سرمایه اجتماعی مانند شبکه روابط در افراد سبب عدم مشارکت و همکاری آنان در فعالیت‌های اجتماعی و در نتیجه کاهش سرمایه اجتماعی می‌شود که در نهایت در جامعه مورد مطالعه این نمود یافته است و باعث عدم اثرگذاری بر رفاه آنان شده است.

علاوه بر این، نتایج بیانگر این است که ضرایب مسیر استاندارد شده بین اعتماد و رفاه اجتماعی ($t=3/18, \gamma=0/28$)، انسجام و رفاه اجتماعی ($t=2/0, \gamma=0/17$) و در نهایت، آگاهی و رفاه ($t=4/18, \gamma=0/44$) که در سطح یک درصد معنی‌دار می‌باشد این نتایج یا مطالعه زاهدی و همکاران (۱۳۸۸)؛ ون‌ها و همکاران (۲۰۰۴)؛ هیللی‌ول (۲۰۰۳)؛ بورن‌اسکوف (۲۰۰۸)؛ پنتس‌چر و همکاران (۲۰۱۴)؛ فرزید (۱۳۹۰) همخوان و مطابق است. در این خصوص می‌توان نتیجه گرفت که وجود این مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در روستاهای مورد مطالعه اثر معنی‌داری بر رفاه اجتماعی دارند. با توجه به اینکه مردم روستاهای مورد نظر همکاری و مشارکت اندکی در برنامه‌ریزی‌های روستا دارند ولی اعتماد، انسجام و آگاهی و شناخت موجود در بین آن‌ها اثرگذار بر رفاه اجتماعی است. قانع‌راد (۱۳۸۴) اشاره می‌کند که اعتماد و صداقت افراد را به انجام کارهای گروهی و تعاونی مشتاق می‌سازد و سرمایه اجتماعی بهبود می‌یابد. از طرفی، با توجه به روابط متقابل عناصر سازنده سرمایه اجتماعی، می‌توان با تقویت آگاهی، بر سایر ابعاد سرمایه اجتماعی نظیر انسجام اجتماعی، اعتماد اجتماعی اثر مثبت گذاشت و بهبود رفاه اجتماعی را باعث شد. مقدار ضریب تبیین رفاه اجتماعی نیز برابر با ۰/۵۱ است، بدین معنی که ۵۱ درصد از تغییرات واریانس رفاه اجتماعی در روستاییان مورد مطالعه توسط مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی تبیین می‌شود.

به این ترتیب از مباحث فوق و با توجه به معنی‌داری مقدار T-Values و آزمون فرضیه‌ها می‌توان چنین نتیجه گرفت که؛

همکاری تأثیر مثبت و معنی‌داری بر رفاه اجتماعی روستاییان مورد مطالعه ندارد. بنابراین فرضیه اول (H_1) پژوهش در این تحقیق مورد تأیید قرار نمی‌گیرد.

اعتماد تأثیر مثبت و معنی‌داری بر رفاه اجتماعی روستاییان مورد مطالعه دارد، بنابراین فرضیه دوم (H_2) پژوهش مورد تأیید قرار می‌گیرد.

شبکه‌های روابط تأثیر مثبت و معنی‌داری بر رفاه اجتماعی روستاییان مورد مطالعه ندارد. بنابراین فرضیه سوم (H_3) پژوهش مورد تأیید قرار نمی‌گیرد.

جدول ۳- خلاصه اطلاعات مسیر

| R ² | آزمون فرضیه‌ها | T-Values | خطای استاندارد | ضریب استاندارد | متغیر درون‌زا | متغیرهای برون‌زا |
|----------------|----------------|----------|----------------|----------------|---|------------------|
| ۰/۵۱ | رد | ۰/۵۴ | ۰/۰۹۰ | ۰/۰۵ | $\begin{matrix} \text{همکاری} \\ \text{اعتماد} \\ \text{روابط} \\ \text{انسجام} \\ \text{آگاهی} \end{matrix}$ | همکاری |
| | تأیید | ۳/۱۸** | ۰/۰۸۶ | ۰/۲۸ | | اعتماد |
| | رد | ۰/۹۱ | ۰/۰۸۹ | ۰/۰۹ | | روابط |
| | تأیید | ۲/۰۰** | ۰/۰۸۹ | ۰/۱۷ | | انسجام |
| | تأیید | ۴/۱۸** | ۰/۱۱ | ۰/۴۴ | | آگاهی |

** معنی‌داری در سطح ۱ درصد

انسجام اجتماعی تأثیر مثبت و معنی‌داری بر رفاه اجتماعی روستاییان مورد مطالعه دارد. بنابراین فرضیه چهارم (H₄) پژوهش مورد تأیید قرار می‌گیرد.

آگاهی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی تأثیر مثبت و معنی‌داری بر رفاه اجتماعی روستاییان مورد مطالعه دارد. بنابراین فرضیه پنجم (H₅) پژوهش مورد تأیید قرار می‌گیرد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

یکی از مفاهیم شکل گرفته در عصر حاضر سرمایه اجتماعی است که مفهومی چند بعدی و تأثیرگذار در بسیاری از حوزه‌های جامعه است و در ادبیات مرتبط با توسعه نیز جایگاهی ویژه یافته است، به گونه‌ای که برخی آن را حلقه مفقوده توسعه می‌دانند. از طرف دیگر تأمین رفاه اجتماعی از جمله مهم‌ترین اهداف هر نظام است و فراهم نمودن شرایط مناسب برای زندگی تمامی اقشار جامعه وظیفه‌ی اصلی کارگزاران و مسئولان هر کشور تلقی می‌شود. از آنجایی که سطح توسعه‌یافتگی به طور بی‌واسطه‌ای معرف سطح رفاه اجتماعی همگانی است و ارتباط میان سرمایه اجتماعی و توسعه را می‌توان به ارتباط میان سرمایه اجتماعی و رفاه تأویل کرد. به همین دلیل در رویکردهای جدید توسعه، از جمله در رویکرد توسعه اجتماعی، برای سنجش رفاه اجتماعی معرف‌هایی از قبیل روحی اجتماعی، همبستگی اجتماعی، مشارکت اجتماعی و سرمایه اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است. هر چند که به گفته دینی‌ترکمانی (۱۳۸۵) نامناسب بودن ساخت اقتصادی، قدرت و ساخت فرهنگی جامعه که اجازه همیاری و همکاری گروهی، اعتماد به یکدیگر و برخورد عقلانی با مسائل را نمی‌دهد اما در مناطق روستایی هنوز مؤلفه‌های مهمی از سرمایه اجتماعی وجود دارد که نسبت بر این مسائل مورد توجه است. از این رو توجه به سرمایه‌ی اجتماعی به‌عنوان یکی از عوامل مؤثر در تقویت یا تضعیف رفاه اجتماعی مردم روستایی در برنامه‌های توسعه‌ای، اهمیت بسزایی دارد. از این رو، هدف اصلی این پژوهش، تأثیر مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی بر رفاه اجتماعی روستاییان دهستان بالادربند از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان کرمانشاه بود. نتایج تحلیل عاملی تأییدی مدل اندازه‌گیری متغیرهای نهفته پژوهش، یعنی مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی از جمله همکاری، اعتماد، شبکه‌های روابط، انسجام و آگاهی و همچنین رفاه اجتماعی نشان داد که سازه‌ها (متغیرهای نهفته) انتخابی در پژوهش به درستی انتخاب شده‌اند و بر طبق شاخص‌های برازش از روایی و پایایی مناسبی برخوردار بودند. نتایج مدل‌سازی معادلات ساختاری نشان داد که مؤلفه‌ی همکاری و شبکه‌های روابط

روستاییان مورد مطالعه تأثیر مثبت و معنی‌داری بر رفاه اجتماعی آن‌ها ندارد. اما از طرف دیگر مؤلفه‌های دیگر سرمایه اجتماعی مانند آگاهی، انسجام و اعتماد از تعیین‌کننده‌های رفاه اجتماعی هستند که در مجموع ۵۱ درصد از تغییرات واریانس رفاه اجتماعی در روستاییان مورد مطالعه را تبیین می‌کنند. بر این اساس می‌توان گفت روستاییانی که آگاهی، انسجام و اعتماد بیشتری به در مورد کارهای موجود داشته‌اند رفاه اجتماعی (منظور شادکامی و رضایت) بیشتری خواهند داشت.

بر این اساس، با توجه به یافته‌های این پژوهش، پیشنهادهای زیر قابل ذکر هستند:

۱. همان‌طور که نتایج نشان داد مؤلفه‌ی اعتماد پیش‌بینی‌کننده‌ی رفاه اجتماعی بود. بنابراین پیشنهاد می‌شود نهادهای دولتی به خصوص دهیاری‌ها، مراکز خدمات و تعاونی‌ها تمام تلاش خود را برای جلب اعتماد روستاییان به کار گیرند و برای این کار آن‌ها را در امور مربوط به روستا و کشاورزی مشارکت دهند و کارها را با آن‌ها انجام دهند نه برای آن‌ها.
۲. نتایج نشان داد آگاهی و دانش از مؤلفه‌های پر اهمیت در تبیین رفاه بود، بنابراین پیشنهاد می‌شود با برگزاری دوره‌های آموزشی (شبهه به دوره‌های آموزشی که مراکز خدمات برای کشاورزان اجرا می‌کنند)، آگاهی‌های لازم در خصوص اهمیت سرمایه اجتماعی و نقش آن در بهبود کیفیت زندگی و رفاه اجتماعی برای مردم آموزش داده شود. لازم به ذکر است که آگاهی خود از پیش شرط‌های اعتماد و مشارکت محسوب می‌شود. اگر این دوره‌ها در مکان‌هایی مثل مسجد و منزل ریش سفیدان و معتمدان محلی اجرا شود اثر بیشتری خواهد داشت. مطمئناً با اجرای پیشنهاد بالا، روابط بین مردم روستایی با نهادهای تأثیرگذار در سطح روستا و دهستان مثل دهیاری، مراکز خدمات و تعاونی‌ها به طور چشم‌گیری افزایش پیدا خواهد کرد و همین خود زمینه‌ای برای افزایش سرمایه‌اجتماعی و بهبود رفاه اجتماعی مردم خواهد داشت.
۳. در روستا معمولاً انسجام اجتماعی بالایی بین مردم وجود دارد و افراد جوان‌تر مورد حمایت گروه‌های مسن‌تر و به قول معروف ریش سفید و با تجربه قرار می‌گیرند. برای اطمینان خاطر از اینکه همیشه این شرایط حفظ شود و حتی ارتقاء یابد و همچنین برای ایجاد و تقویت حس مسئولیت‌پذیری و کمک رسانی افراد به یکدیگر و به نهادهای مستقر در سطح دهستان پیشنهاد می‌شود که از نفوذ این افراد بر مردم روستایی برای اجرای برنامه‌ها کمک گرفته شود.
۴. اما در پایان و مهم‌تر از توجه به دو بعد مشارکت و شبکه روابط می‌باشد که در این مطالعه تأثیری بر رفاه اجتماعی روستاییان مورد مطالعه نداشتند. پیشنهاد می‌شود نهادهای مشارکتی جدیدی مانند اتاق فکر دهستان ایجاد شود که روستاییان بتوانند در آن عضو شده و این نهادها باعث بهبود توانمندی آن‌ها در اکثر امور مربوط به خودشان باشند بسیار مهم است. اتاق فکر دهستان می‌تواند شاخه‌ی کوچکی در هر روستا داشته باشد که تمام اقدار روستا را در امور روستایی مشارکت دهد و از طرفی باعث ایجاد شبکه‌های ارتباطی از پایین به بالا شود باید توجه داشت که وجود نهادهای رسمی مانند شورا و یا دهیاری در اکثر روستاها ممکن نیست و اتاق

فکر می‌تواند جایگزین مناسبی برای آن نهادها باشد. تشکیل اتاق فکر به صورت خودجوش می‌تواند مشکلات بسیاری مثل مشارکت و ارتباطات را در نواحی روستایی منطقه حل کند. چون شبکه روابط، احساس مسئولیت‌پذیری و تعهد روستاییان را افزایش می‌دهد و هر چه که افراد روابط متقابل ایجاد کنند بیشتر احساس مثبت ایجاد خواهد شد و هر چه که احساس مثبت افزایش یابد همبستگی بالا رفته و هر چه همبستگی افزایش پیدا کند، تعهد افراد نیز افزایش می‌یابد و همین عوامل زیربنای گسترش کارگروهی و همکاری و مشارکت در بین اقشار روستاییان می‌شود که در نهایت منجر به افزایش سرمایه اجتماعی و بهبود رفاه اجتماعی می‌شود.

ارتقاء رفاه اجتماعی نیاز به تلاشی فراگیر دارد و صرف اتکا به توانائی‌های مردم در برقراری روابط اجتماعی بهتر، انسجام بالاتر، اعتماد بیشتر و آگاهی بالاتری از مسائل و موضوعات برای تحقق آن کافی نیست. همچنان‌که نتایج نشان می‌دهد مطالعات اندکی از دوره زمانی ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۳ به خصوص در مناطق روستایی ایران در خصوص سنجش رفاه اجتماعی و نقش مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی بر آن انجام شده است و نیاز است که پژوهشگران مطالعات بیشتری در قالب تحقیقات کمی و کیفی در خصوص سرمایه اجتماعی و نقش آن در رفاه اجتماعی که بیشتر مد نظر شادکامی است داشته باشند. تحقیق حاضر در این زمینه انجام شده است و با سنجش رابطه و اثر مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی بر رفاه اجتماعی بر این نکته تأکید می‌کند که سرمایه اجتماعی بر رفاه اجتماعی اثرگذار است و بر این اساس می‌تواند به برنامه‌ریزان روستایی در خصوص بهبود سرمایه اجتماعی و ارتقاء مؤلفه‌های آن در منطقه مورد مطالعه یاری رساند که وقتی این حالت اتفاق افتاد مطمئناً منجر به بهبود رفاه روستاییان و رضایت از زندگی، امیدواری نسبت به آینده، بهبود کیفیت زندگی، کاهش مهاجرت روستاییان و افزایش و بهبود تولید محصولات کشاورزی خواهد شد.

منابع

- آبروکل، ج. ۱۳۹۰. راهنمای جامع AMOS 6، ترجمه زرافشانی، ک. و م. کشاورز. انتشارات دانشگاه رازی، کرمانشاه.
- ابراهیمی، م. ۱۳۹۴. نگاهی به پژوهش رفاه اجتماعی در ایران (با تمرکز بر مقالات علمی- پژوهشی در دوره زمانی ۹۳-۱۳۸۰). فصلنامه تأمین اجتماعی، ۱۴(۴۶): ۵-۳۶.
- ابوالحسن تنهایی، ح. و حضرتی صومعه، ز. ۱۳۸۸. بررسی نظری پژوهش‌های سرمایه اجتماعی در جامعه ایران. مجله علوم رفتاری، ۱(۱): ۵۲-۲۹.
- احمدوند، م.، هدایتی‌نیا، س. و عبدالهی، خ. ۱۳۹۱. بررسی تأثیر رفاه و سرمایه اجتماعی بر کیفیت زندگی در مناطق روستایی شهرستان بویراحمد. مجله پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی، ۱(۲): ۸۹-۱۱۲.
- ازکیا، م. و غفاری، غ. ۱۳۸۸. توسعه‌ی روستایی با تأکید بر جامعه‌ی روستایی ایران. نشر نی، چاپ سوم. تهران، ۳۲۸.
- اکبریان رونیزی، س. س.، رجایی، س. ع. و رمضان‌زاده لسبویی. ۱۳۹۴. ارزیابی رفاه اجتماعی در مناطق روستایی با تأکید بر دیدگاه ساکنان محلی مطالعه موردی: دهستان خیر (شهرستان استهبان). فصلنامه راهبردهای توسعه

روستایی، ۲(۲): ۲۱۵-۲۲۸.

چلبی، م. و مبارکی، م. ۱۳۸۴. تحلیل رابطه سرمایه اجتماعی و جرم در سطوح خرد و کلان. مجله جامعه‌شناسی ایران، ۶(۲۲): ۳-۴۴.

حمیدی‌زاده، ع. ۱۳۹۷. واکاوی افول سرمایه اجتماعی در ایران، مدیریت سرمایه اجتماعی. ۵(۱): ۱۰۹-۹۱.

حیدری‌ساربان، و. ۱۳۹۴. تبیین عوامل مؤثر بر ارتقای رفاه اجتماعی در مناطق روستایی (مطالعه موردی: شهرستان مشکین شهر). پژوهش‌های جغرافیایی انسانی. ۴۷(۴): ۶۷۲-۶۵۷.

دینی‌ترکمانی، ع. ۱۳۸۵. تبیین افول سرمایه اجتماعی، فصلنامه رفاه اجتماعی، ۶(۲۳): ۱۷۱-۱۴۷.

ربانی، ر.، کلانتری، ص.، قاسمی، و.، عریضی، ف. و اسماعیلی، ر. ۱۳۸۷. بررسی رابطه رفاه اجتماعی با سرمایه اجتماعی در فرآیند توسعه (مطالعه موردی: شهرستان‌های استان اصفهان). مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان (علوم انسانی)، ۲۹(۱): ۳۳-۴۶.

رضوانی، م. ر. ۱۳۸۸. مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران، چاپ سوم. نشر قومس. تهران، ۳۰۶.

رکن‌الدین‌افتخاری، ع. ر. و توکلی، م. ۱۳۸۲. رفاه اجتماعی روستایی: رویکردی شناختی در تبیین معرفها. مدرس علوم انسانی، ۲(۲۹): ۶۱-۸۴.

زاهدی، محمد جواد، شیانی، ملیحه، علی‌پور، پروین، ۱۳۸۸، رابطه سرمایه اجتماعی با رفاه اجتماعی، فصلنامه رفاه اجتماعی، ۹(۳۲): ۱۰۹-۱۲۹.

سام‌آرام، ع. و محبوبی، م. م. ۱۳۹۳. ساخت مقیاسی برای سنجش رفاه اجتماعی با تأکید بر رفاه ذهنی (احساس رفاه). فصلنامه برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ۱(۱۸): ۱-۳۳.

شاهین، م.، نازاریان، س. م. و محبوب، ع. ۱۳۹۶. بررسی سرمایه‌ی اجتماعی و رفاه اجتماعی در رابطه‌ی دولت و ملت ایران معاصر. فصلنامه سیاست متعالیه، ۵(۱۹): ۱۵۴-۱۳۵.

شریفیان ثانی، م. ۱۳۸۰. سرمایه اجتماعی: مفاهیم اصلی و چارچوب نظری. فصلنامه رفاه اجتماعی، ۱(۲): ۱۸-۵.

شعبانی، ا. و سلیمانی، م. ۱۳۸۸. سنجش و رتبه‌بندی سطح سرمایه اجتماعی در استان‌های کشور (سال ۱۳۸۷). دو فصلنامه علمی- تخصصی مطالعات اقتصاد اسلامی، ۲(۲): ۹۵-۱۱۹.

شهبازی، ا. ۱۳۸۱. توسعه و ترویج روستایی، چاپ سوم. انتشارات دانشگاه تهران. تهران، ۷۶۰.

صفری‌شالی، ر. و مهدی‌زاده اردکانی، م. ۱۳۹۶. بررسی میزان احساس برخورداری از رفاه اجتماعی و عوامل مؤثر بر

- آن(مطالعه در بین شهروندان شهر اردکان)، فصلنامه برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ۸(۳۰): ۱۷۷-۲۴۴.
- عمرانی، م.، فرج‌زاده، ذ.، و دهمرده، م. ۱۳۸۸. عامل‌های تعیین کننده فقر و تغییرات رفاهی خانوارهای روستایی منطقه ی سیستان، مجله تحقیقات اقتصاد کشاورزی، ۱(۲): ۴۲-۲۱.
- غفاری، غ. ۱۳۹۴. آسیب‌شناسی و ناپایداری توسعه اجتماعی در ایران. فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ۶(۲۲): ۴۹-۲۵.
- فرزید، م. م. ۱۳۹۰. سرمایه اجتماعی و اثر آن بر رفاه اجتماعی (مطالعه موردی نواحی روستایی منطقه طالقان). پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی.
- قاسمی، و.، طاهری، ز. و مهربانی، م. ۱۳۹۲. تبیین رفاه و تأثیر آن بر احساس امنیت (مطالعه موردی شهر اصفهان). رفاه و توسعه اجتماعی، ۵(۱۷): ۸۱-۱۲۷.
- قانع‌راد، م. ا. ۱۳۸۴. رویکرد توسعه اجتماعی به برنامه‌های فقر زدایی در ایران. فصلنامه رفاه اجتماعی، ۵(۱۸): ۲۶۲-۲۲۳.
- محمدی، م.ع.، شعبانعلی فمی، ح.، کلاتری، خ. و رستمی، ف. ۱۳۸۹. تعیین شاخص‌های مناسب اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی در رتبه‌بندی دانشکده‌های کشاورزی. فصلنامه رفاه اجتماعی، ۱۰(۳۷): ۳۸۲-۳۵۱.
- مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵، نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵، قابل دسترسی در: <https://www.amar.org.ir>، آخرین دستیابی: ۱۳۸۵/۷/۷۳.
- ملک‌حسینی، ا.، همزه‌ای، م. ر.، حیدری، ح. و بینائیان، ا. ۱۳۹۵. ارزیابی کیفی وضعیت سرمایه اجتماعی با به کارگیری نظریه بنیانی (مورد مطالعه: دهستان آباریک، شهرستان سنقر و کلیائی). مدیریت سرمایه اجتماعی، ۳(۲): ۲۳۱-۲۰۹.
- موسوی، م.ط.، محقق‌کمال، س. ح.، وامقی، م.، رفیعی، ح.، صحاف، ر.، محمدی، م. ع.، محمدی، م. و جغتایی، ف. ۱۳۹۵. ابعاد مؤلفه‌ها و نشانگرهای رفاه اجتماعی سالمندان در جستجوی یک شاخص ترکیبی، فصلنامه علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی، ۱۶(۶۰): ۲۰۱-۱۷۳.
- موسوی، م. ط. ۱۳۸۵. مشارکت اجتماعی یکی از مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی. فصلنامه رفاه اجتماعی، ۲۳: ۹۲-۶۷.
- هزارجریبی، ج. و صفری شالی. ر. ۱۳۹۱. آناتومی رفاه اجتماعی. تهران. انتشارات موسسه بین‌المللی پژوهشی فرهنگی هنری جامعه و فرهنگ. ۶۳۶ ص.
- هزارجریبی، ج. و مردوخ روحانی. ۱۳۹۱. بررسی رابطه‌ی رفاه اجتماعی و سرمایه ی اجتماعی در شهر سنندج.

جامعه‌شناسی کاربردی. ۲۳ (۴۵): ۳۴-۵۰.

یزدانی، ف. ۱۳۸۲. مفاهیم بنیادی در مباحث رفاه اجتماعی، حمایت اجتماعی، رفاه و تأمین اجتماعی، ویژه‌نامه سیاست اجتماعی، ۱۰: ۳۱-۴۵.

Ahmadi Firouzjaie, A., Sadighi, H. and Mohammadi, Mohammad A. 2007. The influence of social capital on adoption of rural development programs by farmers in the caspian sea region of Iran, *American Journal of Agricultural and Biological Sciences*, 2 (1): 15-22.

Ahmadvand, M. and Karami, E. 2009. A social impact assessment of the floodwater spreading project on the Gareh-Bygone plain in Iran: A causal comparative approach. *Journal of Environmental Impact Assessment Review*, 29 (2):126-136.

Anderson, J. C. and Gerbing, D. W. 1988. Structural equation modeling in practice: A review and recommended two-step approach, *Psychological Bulletin*, 103(3): 411-423.

Baumgartner, H and Homburg, C.1995. Applications of structural equation modelling in marketing research: A review, *International Journal of Research in Marketing*, 13: 139-161.

Bjørnskov, C. 2008. Social Capital and Happiness in the United States. *Applied Research Quality Life*, 3:43-62

Caner, A. 2015. Happiness and Life Satisfaction in Turkey in Recent Years. *Social Indicators Research*, DOI 10.1007/s11205-015-0948-z.

Cleaver, F. 2005. The Inequality of Social Capital and the Reproduction of Chronic Poverty, *World Development*, 33(6): 893-906.

Coleman, J. S. 1990. Social capital in the creation of human capital, *American Journal of Sociology*, 94: 95-120.

Cummins, R. A., Eckersley, R., Pallant, J., Van Vugt, J. and Misajon, R. 2003. Developing a national index of subjective wellbeing: the Australian unity wellbeing index. *Social Indicators Research* 64 (2): 159-190.

Flores, M. and Rello, F. 2003. Social Capital and Poverty Lessons from Case Studies in Mexico and Central America. *ESA Working Paper*, 3:1-16.

Fornell, C., and Larcker D. F. 1981. Evaluating structural equation models with unobservable variables and measurement error. *Journal of Marketing Research*, 48, 39-50.

Gefen, D., Straub, D. and Boudreau, M. 2000. Structural equation modeling and regression: guidelines for research practice, *Communications of the AIS*, 4 (7): 1-70.

Grootaert, C. 1999. Social Capital, Household Welfare and Poverty in Indonesia, *The World Bank Social Development Family Environmentally and Socially Sustainable Department Network, Local Level Institutions Working Paper*, 6: 1-79.

- Helliwell, J. F. 2003. How's life? Combining individual and national variables to explain subjective wellbeing, *Economic Modelling*, 20: 331–360.
- Kim-Prieto, C., Diener, Ed., Tamir, M., Scollon, C. and Diener, M. 2005. Integrating the diverse definitions of happiness: a time-sequential framework of subjective wellbeing, *Journal of Happiness Studies*, 6 (3): 261–300.
- Kousha, M, and Mohseni. N . 2000. Are iranians happy? A comparative study between iran and the united states, *Social Indicators Research*, 52: 259–289
- lin, k. 2014. Social Quality and Happiness—An Analysis of the Survey Data from Three Chinese Cities. *Applied Research Quality Life*. DOI 10.1007/s11482-014-9352-0.
- Olowe, O. O., Okunmadewa. F., Yusuf. S.A. and O, Omobowale. 2014. Effects of Social Capital on Well-Being of Rural Households in Southwest Nigeria. *IOSR Journal of Agriculture and Veterinary Science (IOSR-JAVS)*, 7(12):13-21.
- Puntscher, S., Hauser, C., Walde, J. and Tappeiner, G. 2014. The Impact of Social Capital on Subjective Well-Being: A Regional Perspective. *Journal of Happiness Studies*. DOI: 10.1007/s10902-014-9555-y.
- Ram, R. 2010. Social Capital and Happiness: Additional Cross-Country Evidence, *Journal Happiness Study*, 11:409–418.
- Raykov, T. 1998. Coefficient Alpha and Composite Reliability with Interrelated Nonhomogeneous Items. *Applied Psychological Measurement*, 22(4): 375-385
- Shook, C. L., Ketchen, D. J., Hult, G. Tomas.M., and Kacmar, K.M. 2004. An assessment of the use of structural equation models in strategic management research, *Strategic Management Journal*, 25: 397–404.
- Van ha, N., Shashi, K., and Virginia, M. 2004. The Contribution of Social Capital to Household Welfare in a Paper-Recycling Craft Village in Vietnam, *Journal of environment and development*, 4(4): 371-399.
- Wills-Herrera, E. 2009. Spirituality and subjective well-being: evidences for a new domain in the personal well-being index. *Journal of Happiness Studies*, 10 (1):49-69.
- Wills-Herrera, E., Orozco, L. E., Forero-Pineda, C., Pardo, O. and Andonova, V. 2011. The relationship between perceptions of insecurity, social capital and subjective well-being: Empirical evidences from areas of rural conflict in Colombia, *The Journal of Socio-Economics*, 40: 88–96.
- Winkelmann, R. 2009. Unemployment, social capital, and subjective well-being, *Journal of Happiness Studies*, 10(4):421-430.
- Yusuf, S. 2008. Social Capital and Household Welfare in Kwara State, Nigeria, *Journal of Human Ecology*, 23(3): 219-229.

Zampetakis, L.A. and Moustakis, V. 2006. Linking creativity with entrepreneurial intentions: A structural approach, *International Entrepreneurship and Management Journal*, 2(3): 413-428.

Ziersch, A., Baum, F., Darmawan, I.G.N., Kavanagh., A.M. and Bentley. R.J. 2009. Social capital and health in rural and urban communities in South Australia. *Australian and new Zealand journal of public health*, 33(1):7-16.

The effect of social capital factors on rural well-being in rural areas of the Kermanshah county: a case of Baladarband Dehestan

Mousa aazami^{1*} and Saeid Hedayatiniya²

Submitted: 11 July 2018

Accepted: 20 December 2018

Abstract

Nowadays, the relationship between the two concepts of social capital and social welfare is evident, to the point that it can be admitted that by storing social capital better conditions can be created to achieve a high level of social welfare in most communities. The purpose of this study is to investigate the effects of social capital factors on well-being in rural regions of the Baladarband Dehestan of the Kermanshah County. In this study, a survey was conducted using a questionnaire. The face validity was confirmed by a panel of experts. The statistical population of the study consisted of the heads of rural households in the Baladarband Dehestan. By using the multi-stage random cluster sampling, 160 subjects were selected. In order to investigate the fitness of latent variables and the test of hypothesis, the structural equation modeling with LISRELver8.50 software was used. Confirmatory Factor Analysis (CFA) confirmed the consistency with the theoretical assumptions. The results of Structural Equation Modeling (SEM) showed that the social capital factors such as social trust ($t=3/18$, $\gamma=0/28$), social solidarity ($t=2/00$, $\gamma=0/17$) and knowledge ($t=4/18$, $\gamma=0/44$) were the most important determinants to predict the well-being of rural households and explain 51 percent of the variability in rural well-being. Finally, the study offered applied achievements to rural development custodians and managers for improving social capital factors.

Keywords: Social capital, Well-being, Dehestan Bala-darband, Structural Equation Modeling (SEM).

1- Associate Professor Rural development, Department of Agricultural Education and Extension, Faculty of Agriculture, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran.

2 - Ph.D Student, Department of Agricultural Education and Extension, Faculty of Agriculture, Bu-Ali-Sina University, Hamedan, Iran.

(*-Corresponding author Email: aazamialireza@yahoo.com)

DOI: 10.22048/rdsj.2019.140439.1746